

## آموزه‌هایی برای بهبود محیط حقوقی کسب‌وکار

این نوشتار، ترجمه و تلخیص بخشی از گزارش «انجام کسب‌وکار» بانک جهانی ۲۰۱۶ با مشخصات زیر است:

Santiago Croci Downes, Magdalini Konidari and María Antonia Quesada Gámez., "Legal research findings on business regulation and the law", in World Bank, *Doing Business 2016; Measuring Regulatory Quality and Efficiency*, Washington DC, 2015, pp. 105-112.

کد موضوعی: ۲۲۰

شماره مسلسل: ۱۵۳۷۵

اردیبهشت ماه ۱۳۹۶

معاونت پژوهش‌های اقتصادی  
دفتر: مطالعات اقتصادی

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه مترجم
۳.....	مقدمه
۵.....	کارآمدی دادگاه‌ها و سازوکارهای جایگزین حل و فصل اختلاف
۸.....	شیوه حاکمیت شرکتی - چه کسی باید شرکت را کنترل کند؟
۱۲.....	حقوق طلبکاران و قوانین وثیقه
۱۴.....	قوانین ورشکستگی و فرآیندهای بازسازی مانده‌ی
۱۸.....	نتیجه‌گیری
۱۹.....	منابع و مأخذ



## آموزه‌هایی برای بهبود محیط حقوقی کسب‌وکار

### چکیده

- نتایج پژوهش حقوقی مربوط به نماگرهای پروژه انجام کسب‌وکار، چهار حوزه اصلی را دربرمی‌گیرد: کارآمدی دادگاه‌ها و سازوکارهای جایگزین حل‌وفصل اختلاف، حاکمیت شرکتی، حقوق بستانکاران و قوانین وثیقه و همچنین قوانین ورشکستگی و مراحل بازسازماندهی.

- سازوکارهای جایگزین حل‌وفصل اختلاف، رابطه مستقیمی با کارآمدی دادگاه‌ها دارند. به عبارت دیگر، شیوه‌های موجود جایگزین حل‌وفصل اختلاف، کاملاً با حل سریع اختلافات در دادگاه‌ها مرتبط هستند.

- مقالات منتشر شده در رابطه با حکمرانی شرکتی، بر ضرورت وجود مجموعه قوانین شفاف در سه حوزه تأکید دارند: اشخاصی که تصمیمات کلیدی را در شرکت اتخاذ می‌کنند، اشخاصی که باید از این تصمیمات مطلع شوند و چگونگی مانع شدن از سوءاستفاده ذینفعان.

- مقالات منتشر شده در رابطه با حقوق بستانکاران این موضوع را تحلیل می‌کند که آیا چارچوب قانونی می‌تواند به حداکثرسازی ارزش وثایق تودیع شده توسط شرکت‌های کوچک و متوسط کمک کند در عین حال که این اطمینان را به بستانکاران بدهد که حقوق آنها محفوظ خواهد بود.

- هدف اصلی قوانین ورشکستگی از یک سو، اطمینان از بقای شرکت‌هایی است که به رغم ورشکستگی امکان بقا و ادامه فعالیت دارند و از سوی دیگر، اطمینان از منصفانه‌ترین میزان بازگشت سرمایه برای ذینفعان شرکت در صورت انحلال آن است.

### مقدمه مترجم

این گزارش به بررسی مقالات و پژوهش‌هایی می‌پردازد که در نشریات معتبر بین‌المللی در رابطه با نماگرهای عمدتاً حقوقی پروژه «انجام کسب‌وکار»، منتشر شده‌اند. چهار نماگر موضوع این گزارش عبارتند از: کارآمدی دادگاه‌ها و شیوه‌های جایگزین حل‌وفصل اختلاف،<sup>۱</sup> حاکمیت شرکتی،<sup>۲</sup> حقوق طلبکاران و قوانین وثیقه،<sup>۳</sup> قوانین ورشکستگی و بازسازماندهی واحد ورشکسته.<sup>۴</sup> این نماگرها به بررسی مؤلفه‌های حقوقی مؤثر در تسهیل فعالیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در اقتصادهای مختلف می‌پردازند.

1. Court Efficiency and Alternative Dispute Resolution
2. Corporate Governance
3. Creditor's Rights and Collateral Laws
4. Insolvency Rules and Reorganization Procedures

ترجمه این گزارش در کنار گزارش سالیانه پروژه انجام کسب‌وکار در نماگرهای مختلف، از دو زاویه حائز اهمیت است:

۱. بررسی‌ها و مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف و عمدتاً به‌صورت تطبیقی و میان‌کشوری درخصوص نماگرهای پیش‌گفته، نشان‌دهنده اجماع محققین و اندیشمندان این حوزه درخصوص اهمیت و تأثیر این نماگرها بر توسعه اقتصادی کشورها و رونق کسب‌وکار در آنهاست. اهمیتی که امروز با گذشت چندین سال از تعریف نماگرهای مربوط در شاخص «سهولت انجام کسب‌وکار» و رتبه‌بندی این نماگرها، به مراتب عینی‌تر و ملموس‌تر شده است. علاوه بر این، پروژه انجام کسب‌وکار و پژوهش‌های منتشر شده، تأثیر و تأثیری متقابل بر یکدیگر داشته‌اند، به گونه‌ای که از یک‌سو مطالعات انجام شده به شکل‌گیری و آشکار شدن ابعاد جدیدی از نماگرهای پروژه انجام کسب‌وکار انجامیده و ازسوی دیگر، پروژه انجام کسب‌وکار نیز با ارائه اطلاعات کمی و کیفی در سطح گسترده، امکان مطالعات و تحقیقات دقیق‌تر تطبیقی و میان‌کشوری را برای علاقمندان این حوزه فراهم کرده است.

۲. موضوع دیگری که ضرورت ترجمه و انتشار این گزارش را آشکار می‌کند، وضعیت کشور ایران در شاخص‌های مورد بحث و برنامه‌ها و اقدامات علمی و عملی در درست انجام جهت کاستن از شکاف میان ایران و سایر کشورهاست. به‌عبارت دیگر مطالعات اینچنینی، علاوه بر اینکه پنجره‌ای است رو به اقدامات و فعالیت‌های انجام شده در سایر کشورها و ملاحظه میزان پیشرفت آنها در این حوزه‌ها، می‌تواند انگیزه‌ای برای انجام فعالیت‌های مشابه در داخل کشور باشد و این مطالعات را به الگویی برای انجام بررسی‌های علمی و ارائه راهکار جهت برون‌رفت از مشکلات موجود در حوزه‌های مشابه از یک‌سو و اقدامات عملی در عملیاتی کردن نتایج این مطالعات ازسوی دیگر، تبدیل کند.

برای مثال، در نماگر کارآمدی دادگاه‌ها و شیوه‌های جایگزین حل‌وفصل اختلاف که به بررسی شیوه‌های حل‌وفصل اختلاف غیر از دادرسی در دادگاه‌ها می‌پردازد، معرفی این روش‌ها در نظام حقوقی ایران مانند داوری از سابقه دیرینه عرفی و قانونی برخوردار است، لکن میزان توسل به این روش‌ها و آماري که مبین افزایش یا کاهش تعداد داوری‌ها در گذر زمان باشد، یا ارتباط این آمار را با میزان مراجعات به دادگستری به‌ویژه در دعاوی تجاری نشان دهد، موضوعاتی است که نیازمند بررسی است. علاوه بر این، این موضوع اهمیت دارد که چگونه می‌توان نظام داوری را طرح‌ریزی کرد که منجر به کاهش مراجعات به دادگستری شود. تخصیص شعب خاص برای موضوعات یا دعاوی با اندازه‌های معین نیز از دیگر راه‌هایی است که برای کاهش بار کاری دادگستری به آنها اشاره شده است. استفاده از ابزارها و نرم‌افزارهای متعدد جهت تسهیل دسترسی به اطلاعات پرونده توسط طرفین دعوی نیز از جمله موارد مورد اشاره در گزارش است.

در نماگر شیوه حاکمیت شرکتی، مباحثی مطرح می‌شود که با در نظر گرفتن قدیمی بودن قانون تجارت ایران و لایحه اصلاحی آن، بسیار حائز اهمیت و کاربردی هستند و می‌توانند در پیش‌نویس قانون



جدید تجارت ایران راهگشا و مؤثر باشند؛ مواردی همچون ضرورت تعیین مقررات شفاف در رابطه با سه حوزه مرتبط با شرکت:

۱. گروهی که تصمیمات کلیدی را اتخاذ می‌کنند،
  ۲. گروهی که متأثر از این تصمیمات هستند و باید از آن مطلع شوند،
  ۳. چگونگی ممانعت از سوءاستفاده از حقوق سهام‌داران و تعارض منافع میان گروه‌های مختلف مرتبط با شرکت مانند سهام‌داران، هیئت مدیره و نمایندگان مؤسسات سرمایه‌گذاری.
- همچنین نقش و میزان کنترل توسط هیئت مدیره و سهام‌داران شرکت، راه‌های شفاف‌سازی هر چه بیشتر تصمیمات هیئت مدیره و اینکه آیا مدیریت شرکت‌ها باید هیئت مدیره، محور یا سهام‌دار محور باشند، از دیگر موضوعات مهم در این بحث است.

در نماگر حقوق طلبکاران و قوانین وثیقه، آنچه بیش از همه مورد تأکید قرار گرفته، چرخه حیات وثیقه در معاملات دارای وثیقه و اهمیت ثبت و اجرایی کردن وثیقه است، به‌گونه‌ای که از یک‌سو از حقوق بستانکاران محافظت شود و از سوی دیگر، به ادامه فعالیت بنگاه ورشکسته‌ای که قادر به ادامه حیات است بپردازد. وجود قوانین یکسان و شفاف در کلیه معاملات با وثیقه، حفاظت از حقوق ذینفعان و بنگاه ورشکسته به طرق مختلف و طراحی راه‌هایی برای ادامه حیات این بنگاه - حتی با دسترسی به منابع اعتباری پس از ورشکستگی - و اشکال و مدل‌های مختلف قوانین و دستورالعمل‌های بین‌المللی که می‌تواند در تدوین یک قانون جدید برای هر کشوری در این حوزه راهگشا باشد، از سایر موارد مورد اشاره است. در این شاخص نیز با توجه به اقدامات انجام شده جهت اصلاح قانون تجارت، می‌توان از تجربیات بین‌المللی مورد اشاره در این گزارش، به‌ویژه دستورالعمل‌هایی که توسط نهادهای بین‌المللی مانند کمیسیون توسعه و تجارت سازمان ملل و بانک جهانی ارائه شده است، بهره‌مند شد.

## مقدمه

اینکه چگونه قوانین و مقررات حیات یک شرکت محلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، سؤال پیچیده‌ای است. از ۱۳ سال پیش که پروژه انجام کسب‌وکار آغاز شده است این پروژه تلاش کرده است مقایسه‌ای تطبیقی از محیط حقوقی کشورها در رابطه با کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ارائه کند. تحلیل پروژه انجام کسب‌وکار به‌طور سنتی بر دو جنبه محیط حقوقی حاکم بر موضوعات تحت پوشش پروژه تمرکز کرده است: کارآمدی که منجر به تحقق یک هدف قانونی می‌شود و کیفیت قانون وضع شده. داده‌هایی که برای نماگرهای<sup>۱</sup> پروژه انجام کسب‌وکار در سالیان متمادی جمع‌آوری شده است، به‌عنوان منبعی اطلاعاتی برای مقالات منتشر شده در مجلات علمی و کاربردی مورد استفاده قرار گرفته است. در این گزارش، نسخه‌های پیشین گزارش «انجام

۱. لازم به ذکر است در نوشتار حاضر، واژه "Index" به «شاخص»، واژه "Indicator" به «نماگر» و واژه "Component" به «مؤلفه» ترجمه شده است. بدین ترتیب که هر شاخص، مشتمل بر چند نماگر، و هر نماگر، مشتمل بر چند مؤلفه است.

کسب و کار» - که چشم‌انداز اقتصادی راجع به یافته‌ها را ارائه کرده‌اند - نیز مورد توجه قرار گرفته است. اما همچنان، نماگرهای شاخص سهولت انجام کسب و کار، بخش عمده‌ای از مباحث مربوط به آنچه حاکمیت قانون «دوستدار کسب و کار»<sup>۱</sup> خوانده می‌شود را تشکیل می‌دهند.

### جدول ۱. محورهای موضوعی چهارگانه در ادبیات پژوهش<sup>۲</sup>

قواعد ورشکستگی و فرآیندهای بازسازماندهی	حقوق بستانکاران و قوانین وثیقه	حاکمیت شرکتی	کارآمدی دادگاه و سازوکارهای جایگزین حل و فصل اختلاف
<ul style="list-style-type: none"> <li>- اقدامات مفید مرتبط با ورشکستگی (۲۰۰۸)</li> <li>- مردد بودن بین انحلال و بازسازماندهی (۱۹۹۳)</li> <li>- رابطه بین قانون بازسازماندهی و مالوی (۲۰۱۳)</li> <li>- عملکرد نظام‌های بازسازماندهی (۱۹۹۴ و ۱۹۹۷)</li> <li>- حقوق بستانکاران دارای وثیقه در فرآیند بازسازماندهی (۲۰۰۷)</li> <li>- رأی‌گیری مجدد راجع به برنامه‌های بازسازماندهی (۱۹۹۹)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- اهمیت نظام‌های حاکم بر معاملات دارای وثیقه (۲۰۰۶)</li> <li>- اصلاحات مربوط به قوانین و ثبت وثیقه در سهام‌دار (۲۰۱۳)</li> <li>- اصلاحات مربوط به معاملات دارای وثیقه در غنا (۲۰۱۳)</li> <li>- تضييع قانونی حقوق بستانکاران و نمونه انگلستان (۲۰۱۴)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تشابه مقرراتی بین حمایت از سهام‌داران و اداره شرکت (۲۰۱۳ و ۲۰۱۵)</li> <li>- در اولویت بودن مدیر یا سهام‌دار (۲۰۱۴)</li> <li>- هزینه نمایندگی در رابطه وکیل و موکل (۲۰۱۳ و ۲۰۱۵)</li> <li>- نوع شرکت و حقوق سهام‌داران - رابطه بین سهام‌دار و حمایت از کارگر (۲۰۱۴)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- عملکرد نظام قضایی (۱۹۹۹)</li> <li>- سازوکارهای جایگزین حل و فصل اختلاف و تضامین (۲۰۰۰)</li> <li>- دامنه بندهای داوری (۲۰۱۴)</li> <li>- فناوری و دسترسی به نظام قضایی (۲۰۱۲)</li> </ul>

این بخش به مرور مقالات منتشر شده در بین ۷۰ مجله حقوقی برتر می‌پردازد که بر حوزه‌هایی که چهار نماگر پروژه انجام کسب و کار آنها را پوشش می‌دهند متمرکز شده‌اند؛ از جمله مقالاتی که به بررسی کفایت قانونگذاری یا اعمال قانون در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی پرداخته‌اند. چهار گروه از نماگرها عبارتند از: اجرای قراردادهای، اخذ اعتبارات (حقوق قانونی)، حمایت از سهام‌داران خرد و حل و فصل ورشکستگی. در عین حال که اغلب این نماگرها مبتنی بر مطالعه قوانین ماهوی هستند، برخی از آنها به ارزیابی کارآمدی نظام قضایی در حل و فصل اختلافات تجاری و ورشکستگی می‌پردازند.

این گزارش چهار محور موضوعی را تبیین می‌کند (جدول ۱). **اول:** گروهی از مقالات به بررسی تأثیر کارآمدی دادگاه‌ها و نقش سازوکارهای جایگزین حل و فصل اختلاف در توسعه کشورها، با تحلیل رابطه مستقیم میان این دو می‌پردازند؛ **دوم:** بسیاری از مقالات به بررسی حقوق و تعهدات مختلف سهام‌داران در شرکت و قواعد حاکمیت شرکتی که می‌تواند به حصول اطمینان از مدیریت خوب شرکت کمک کند، پرداخته‌اند؛ **سوم:** در اغلب موارد محققان با تأکید بر اهمیت وجود یک نظام مدرن معاملات

1. "Business Friendly" Rule of Law

۲. اعدادی که در جدول قید شده‌اند، نشانگر سال انتشار اثر مربوط به هر موضوع هستند. مشخصات کامل هر اثر در بخش منابع و مأخذ آمده است [م].



دارای وثیقه<sup>۱</sup>، به این مسئله پرداخته‌اند که چگونه حقوق بستانکاران، دسترسی یک شرکت را به منابع مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در آخر، مطالعات انجام شده، اهمیت فرآیندهای بازسازماندهی را در چارچوب فرآیند ورشکستگی، به‌ویژه از نقطه نظر مدل آمریکایی بازسازماندهی بحث کرده‌اند.

### کارآمدی دادگاه‌ها و سازوکارهای جایگزین حل و فصل اختلاف

نماگر اجرای قراردادهای در پروژه انجام کسب و کار، پیش از این برخی از مسائل مربوط به کارآمدی نظام قضایی را که در سال‌های اخیر در تحقیقات حقوقی به آنها پرداخته شده مورد توجه قرار داده است. امسال، نماگر جدیدی با عنوان «کیفیت فرآیندهای قضایی» معرفی شده که پوشش این نماگرها را گسترده‌تر کرده تا چندین جنبه دیگر را نیز در برگیرد.

یکی از این ابعاد، وجود سازوکارهای داوری و میانجیگری داوطلبانه به‌عنوان سازوکارهای جایگزین حل و فصل اختلاف است. مطالعات متعددی ابعاد سازوکارهای جایگزین حل و فصل اختلاف و رابطه آن با کارآمدی دادگاه‌ها را بررسی کرده‌اند؛ از جمله مطالعه انجام شده توسط داکولیس<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۹، ریان<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۰ و دراهوزال<sup>۴</sup> و اوکانر<sup>۵</sup> در سال ۲۰۱۴.

جنبه دیگری که نماگر جدید آن را اندازه‌گیری می‌کند، استفاده از فناوری به‌منظور افزایش کارآمدی دادگاه‌ها و کاهش فساد است، مانند تشکیل پرونده الکترونیکی، تحویل الکترونیکی اسناد حقوقی به طرفین یک دعوا، پرداخت الکترونیک هزینه‌های دادگاه، توزیع تصادفی پرونده‌ها میان قضات، انتشار آرای قضایی و سیستم‌های مدیریت پرونده الکترونیک. همچنان که کبرل<sup>۶</sup> و دیگران در سال ۲۰۱۲ در مطالعه خود پیشنهاد کرده‌اند، فناوری می‌تواند دسترسی به نظام قضایی را بهبود ببخشد. علاوه بر این، ابعاد این نماگر ساختار دادگاه‌ها (مانند وجود دادگاه‌های تخصصی تجاری، دادگاه‌ها یا فرآیندهای ساده‌تر برای دعاوی کوچک) و همچنین سیستم مدیریت پرونده (مانند وجود قواعد خاص جهت توقف یا به تأخیر انداختن رسیدگی یا محدودیت‌های زمانی برای انجام رویدادهای اصلی دادگاه مانند تحویل رأی نهایی) را بررسی می‌کند.

علاوه بر نماگرهای سنتی که زمان و هزینه لازم برای اجرای قراردادهای را اندازه‌گیری می‌کردند، نماگر جدید بینش عمیق‌تری نسبت به کارآمدی نظام قضایی و کیفیت فرآیندهای قضایی فراهم می‌آورد و می‌تواند به سیاستگذاران در اتخاذ تصمیمات آگاهانه به‌منظور اصلاحات قضایی کمک کند. مروری بر مقالات منتشره نشان می‌دهد که نماگر اجرای قراردادهای، ابزار منحصر به فردی برای سیاستگذاران است،

۱. "Secured Transactions" عبارت است از معامله‌ای است که به‌موجب آن، وام یا اعتباری با وثیقه قرار دادن یک مال اخذ می‌شود.

۲. Dakolias

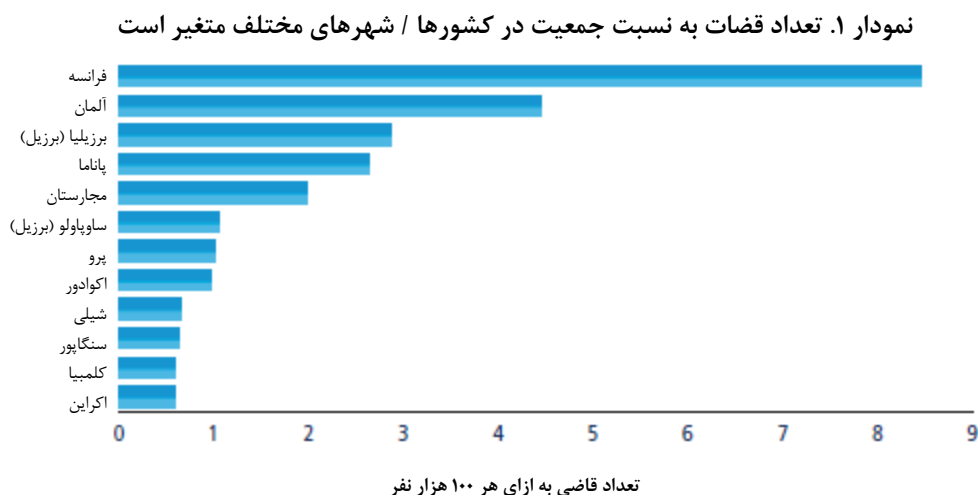
۳. Ryan

۴. Drahozal

۵. O'Connor

۶. Cabral

زیرا داده‌ها و اطلاعات میان‌کشوری در مورد کارآمدی دادگاه‌ها کمیاب بوده و هیچ مجموعه دیگری از اطلاعات به بررسی کارآمدی نظام قضایی در ۱۸۹ کشور جهان نپرداخته است. تا همین اواخر، پژوهش‌های متعددی در مورد کارآمدی نظام قضایی وجود داشت. محققان ترجیح می‌دادند بر جنبه‌های کیفی حقوق تطبیقی تمرکز کنند. داکولیس در سال ۱۹۹۹ در زمره اولین کسانی بود که به بررسی تطبیقی عملکرد مدیریت قضایی پرداخت. ضمن تمرکز بر ۱۲ کشور در مناطق مختلف، تجزیه و تحلیل نویسنده بر داده‌های ارائه شده توسط منابع عمومی در خصوص معیارهای زیر مبتنی بود: تعداد پرونده‌های ثبت شده در هر سال، تعداد پرونده‌های مختومه در هر سال، تعداد پرونده‌های معوقه در پایان هر سال، نرخ رسیدگی به پرونده<sup>۲</sup> (نسبت پرونده‌های مختومه به پرونده‌های ثبت شده)، نسبت تراکم کاری دادگاه‌ها<sup>۳</sup> (نسبت پرونده‌های باز و ثبت شده به پرونده‌های مختومه)، میانگین مدت مورد نیاز جهت رسیدگی به هر پرونده و تعداد قضاات به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر (نمودار ۱).



Source: Adapted from Dakolias, 1999.

نتایج نشان می‌دهد که در بسیاری از این کشورها، نظام قضایی در یک برهه زمانی قادر به پاسخگویی به تقاضاها بود، اما با گذشت زمان مشکلات بروز کرد و نیاز به انجام اصلاحات احساس شد. برخی از راه‌حل‌های ارائه شده توسط محقق (داکولیس) عبارتند از: معرفی شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف برای رسیدگی به پرونده‌های معوقه، افزایش تعداد قضاات با تأسیس دادگاه‌های موقت و استفاده از فناوری اطلاعات برای ارتقای بهره‌وری. پروژه انجام کسب و کار تمامی این موارد را پوشش داده است. محققان برخی از این راه‌حل‌ها را به صورت گسترده‌تری مطالعه کرده‌اند. برای مثال، کبرل و همکارانش،<sup>۴</sup> در سال

۱. در متن اصلی، ۱۱ کشور ذکر شده، اما در جدول مربوط، ۱۲ کشور فهرست شده است [م].

2. Clearance rate

3. Congestion rate

4. Cabral, James E., Abhijeet Chavan, Thomas M. Clarke, John Greacen, Bonnie Rose Hough, Linda Rexer, Jane Ribadeneyra and Richard Zorza





۲۰۱۲ بررسی کردند که چگونه استفاده از فناوری توسط دادگاه‌ها و سازمان‌های معاضدت حقوقی، می‌تواند دسترسی به نظام قضایی را برای اقشار کم‌درآمد در ایالات متحده بهبود ببخشد. در حالی که گام‌های بزرگی با استفاده از روش‌های تحویل مبتنی بر وب برداشته شده است (مانند تشکیل پرونده و جمع‌آوری مدارک به روش الکترونیکی) قابلیت دسترسی و قابل استفاده بودن سیستم، کماکان با شرایط ایدئال فاصله دارد. در واقع نویسندگان معتقدند که برای پیشگیری از آسیب به اطراف دعوا، دادگاه‌هایی که فناوری‌های جدید را به کار می‌گیرند، باید موانعی را که ممکن است اطراف دعوی در دسترسی به فناوری داشته باشند - مانند طرفین دعوایی که نماینده یا وکیلی ندارند، یا ساکن مناطق روستایی و حومه شهرها هستند، افراد معلول یا با سواد اندک - در نظر بگیرند.

همچنین کبرل و همکارانش استدلال می‌کنند که برای مثال، گوشی‌های موبایل به یکی از ابزارهای پیشرو دسترسی به اطلاعات بدل خواهند شد و جامعه حقوقی نیز باید قادر به انطباق خود با این ابزار باشد. آنها بر ضرورت ارتقای پیشرفت‌های مبتنی بر فناوری، مانند تشکیل پرونده الکترونیکی، که به خوبی پذیرفته شده‌اند تأکید دارند. این نویسندگان معتقدند پذیرش استانداردهای فنی باز<sup>۱</sup> ادر دسترس برای عموم<sup>۲</sup> برای تشکیل پرونده الکترونیکی، دسترسی همه‌جانبه را برای طرفین دعوا فراهم می‌کند. در آخر، نویسندگان موانع مختلف در به‌کارگیری راهبردهای مبتنی بر فناوری مؤثر را که می‌توانند دسترسی به نظام قضایی را بیشتر کنند، تحلیل کرده‌اند. آنها ۸ مانع را که بعضاً نیز با یکدیگر همپوشانی دارند، شناسایی کرده‌اند. (برای مثال کمبود بودجه یا منابع مالی، فقدان وحدت رویه یا استانداردسازی جهت درک این موضوع که به‌کارگیری فناوری به معنای تحقق کامل عدالت نیست) همچنین راه‌حل‌های بالقوه (مانند پذیرش روش‌ها و اشکال استاندارد یا استفاده از مشوق‌هایی مانند کمک‌های مالی) تا امکان استفاده از فناوری را بیشتر کند.

شیوه‌های جایگزین حل‌وفصل اختلاف به‌عنوان ابزاری برای افزایش بهره‌وری دادگاه‌ها از طریق کمک به کاهش حجم کار دادگاه‌ها یا ارائه راه‌حلی سریع‌تر، کم‌هزینه‌تر و منعطف‌تر برای طرفین دعوا، شناخته شده‌اند. امروزه شیوه‌های جایگزین حل‌وفصل اختلاف در فرآیند دعوی گنجانده شده است (مانند داوری منضم به رسیدگی دادگاه) و حتی اگر انتقادهایی نسبت به این سازوکارها وجود داشته باشد، شیوه‌هایی مانند داوری قراردادی و میانجیگری بدون تردید در میان اهل کسب‌وکار و تجارت محبوب هستند. ریان<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) استدلال کرد که استفاده گسترده از روش‌های جایگزین حل‌وفصل اختلاف، باید با تضمین رویه‌ای همراه باشد تا حقوق طرفین درگیر را تضمین کند. نویسندگان معتقد است که تعیین استانداردهای یکسان اخلاقی و آیین دادرسی متحدالشکل، از پیشرفت‌های قضایی مهم مرتبط با سازوکارهای جایگزین حل‌وفصل اختلاف است. او همچنین در حوزه‌های مرتبط با محرمانگی، ادله اثبات

1. Open Standard

2. Ryan

اصلاح دعوی، پاسخگویی به عموم، مسائل اخلاقی و کنترل کیفیت توصیه‌هایی کرده است. ارتباط میان دادگاه‌ها و سازوکارهای جایگزین حل و فصل اختلاف در مواردی که یک رابطه قراردادی مورد توافق دو طرف آگاه قرار گرفته است، می‌تواند به‌طور خاصی پیچیده و بغرنج باشد. در اهوزال و اوکانر (۲۰۱۴) استدلال می‌کنند هنگامی که طرفین قرارداد میان داوری و دادگاه یکی را برمی‌گزینند، یک جداسازی فرآیندی پیشینی اتفاق می‌افتد. این جداسازی زمانی اتفاق می‌افتد که طرفین موضوعات و خسارات مشخصی را در صلاحیت هر یک از دادگاه یا داوری قرار می‌دهند، به جای آنکه فرآیندهای جداگانه‌ای را انتخاب کنند.<sup>۱</sup>

برای مثال، در داوری، متداول است که طرفین ادعاها و خسارات خاصی را از شرط داوری استثنا می‌کنند یا اینکه می‌پذیرند که حتی در صورت مراجعه به دادگاه، کماکان برای حل و فصل موارد خاصی به داوری رجوع کنند. این رویه‌ها که به رویه‌های داخل در شرط داوری و خارج از آن<sup>۲</sup> معروف هستند، برای اطمینان از کاهش هزینه‌های حل و فصل دعوا استفاده می‌شوند.

نویسندگان، داده‌های تجربی را در خصوص جداسازی فرآیندها در قراردادهای مختلف جمع‌آوری کرده‌اند (مانند توافقات مربوط به فرانشیز، قراردادهای مربوط به فناوری و قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک) و به این نتیجه رسیدند که تقریباً در تمامی قراردادهای فرانشیز، مواردی از شرط داوری مستثنا شده‌اند. همچنین نویسندگان استدلال می‌کنند در مواردی که بی‌اعتمادی به دادگاه‌ها وجود دارد، طرفین به فرآیندهای داوری متوسل می‌شوند. آنها عنوان می‌کنند که اگر طرفین دعوا نتوانند برای حفاظت از ارزش اطلاعات و نوآوری‌های خود به دادگاه‌ها تکیه کنند، ارزش و اعتبار ناشی از قرارداد از بین می‌رود.

### شیوه حاکمیت شرکتی - چه کسی باید شرکت را کنترل کند؟

نماگرهای پروژه انجام کسب‌وکار میزان حمایت از سرمایه‌گذاران خرد در مقابل تعارض منافع و علاوه بر این، حقوق سهام‌داران در حاکمیت شرکتی را اندازه‌گیری می‌کنند. در طراحی این نماگرها، پروژه انجام کسب‌وکار روش شناسی یکسانی را به کار می‌گیرد و به مطالعه موردی جهت ارزیابی این موضوع می‌پردازد که آیا هر کشور مجموعه‌ای از شیوه‌های خوب در دادخواهی و شیوه حاکمیت شرکتی را برای حمایت از سهام‌داران خرد اعمال کرده است؟ همچنان که آیتکین،<sup>۳</sup> مایلز<sup>۴</sup> و اسن<sup>۵</sup> در مقاله خود در سال ۲۰۱۳ تشریح کرده‌اند، کشورها می‌توانند از درس‌هایی که ناشی از مقایسه شیوه‌های خوب در سراسر جهان است، استفاده کنند. این نویسندگان یافته‌های پیشین پروژه انجام کسب‌وکار را مبنی بر اینکه کشورهای

۱. منظور آن است که طرفین بدون تفکیک موضوعی، از ابتدا دادگاه یا داوری را به‌عنوان تنها فرآیند رسیدگی انتخاب نمایند. [م].

2. Curve-ins and Curve-outs

3. Aytekin

4. Miles

5. Esen



در حال توسعه در حال رفع شکاف چارچوب‌های قانونی خود [با کشورهای توسعه‌یافته] هستند، تأیید می‌کنند. در واقع کاتلوزو<sup>۱</sup> و سیمز<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) عنوان می‌کنند: صرف‌نظر از منشأ قانونی یا عرفی [حاکم بر کشورهای مختلف]، الگویی برای همگرایی جهانی در راستای به‌کارگیری شیوه‌های خوبی که توسط پروژه انجام کسب‌وکار اندازه‌گیری شده‌اند، شکل گرفته است.

هیل<sup>۳</sup> و مک دانل<sup>۴</sup> در مطالعه سال ۲۰۱۵ خود با تأیید اهمیت اندازه‌گیری‌ها و معیارها، بر این باورند که این موارد به کاهش مشکل نمایندگی<sup>۵</sup> [تعارض منافع میان مدیر و سهام‌داران شرکت] در حقوق شرکت‌های مدرن در یک دهه گذشته کمک کرده‌اند. گیلسون<sup>۶</sup> و گوردون<sup>۷</sup> نیز در سال ۲۰۱۳ به موضوع نمایندگی پرداخته‌اند. با وجود این، همچنان که بینبریج<sup>۸</sup> در پژوهشی در سال ۲۰۱۴ نشان داد، اینکه آیا یک شرکت سهام‌دارمحور سودمند است یا هیئت مدیره‌محور، به ویژگی‌های متعدد مختص هر اقتصاد بستگی دارد. هماهنگ با روش‌شناسی به‌روز شده برای نماگرهای حمایت از سهام‌داران خرد، دی جانگ<sup>۹</sup> تلاش می‌کند تا تفاوت‌های میان چارچوب‌های حقوقی حاکم بر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و شرکت‌های پذیرفته نشده و پیامدهای آن بر حقوق سهام‌داران شرکت را بیشتر روشن کند.

پژوهش در حقوق شرکت‌ها و الگوهای حاکمیت شرکتی، به سه الگوی عموماً پذیرفته شده منتهی شده است. اول، این حوزه از حقوق ممکن است وابسته به مسیر<sup>۱۰</sup> [متأثر از تصمیمات گذشته حتی با وجود تغییر شرایط] باشد و تابع بسیاری از تغییرات مهم در یک حوزه قضایی نباشد. دوم، تأثیر الگوی آمریکایی حاکمیت شرکتی، منجر به غلبه قانون شرکت بازارمحور شده است. سوم، منشأ قانونی یک اقتصاد و اینکه در کدام مرحله از توسعه اقتصادی قرار دارد، عوامل مهمی در تعیین میزان حمایت از [حقوق] سهام‌دار هستند. کاتلوزو و سیمز در سال ۲۰۱۵ با استفاده از اطلاعات کمی حقوقی، میزان حمایت قانونی از سهام‌داران را در ۳۰ کشور در یک دوره ۲۴ ساله بررسی کرده‌اند. این مطالعه سه الگوی قبلی را تضعیف می‌کند. در این مطالعه با اندازه‌گیری ۱۰ جنبه حمایت از سهام‌داران، شاخصی تحت عنوان حمایت از سهام‌دار تعریف شده است که برخی از این جوانب نیز در نماگر حمایت از سهام‌داران خرد پوشش داده شده است.

طبق یافته‌های این نویسندگان، مدل حاکمیت شرکتی آمریکایی، مدل غالب و پذیرفته شده نیست. علاوه بر این، از زمان بحران مالی علاقه به اصلاحات حقوقی در حوزه‌های دیگر متمرکز شده است و

1. Katelouzou
2. Siemz
3. Hill
4. McDonnell
5. Agency problem
6. Gilson
7. Gordon
8. Bainbridge
9. De Jong
10. Path-dependent

کشورهایی با میزان حمایت مشابه از سهام‌داران الزاماً دارای همان منشأ قانونی نیستند و در مرحله یکسانی از توسعه اقتصادی قرار ندارند. این نویسندگان همچنین عنوان می‌کنند که همه ۳۰ کشور مورد مطالعه آنها، حمایت از سهام‌داران را در دوره مورد بررسی افزایش داده‌اند.

مقایسه کشورها با شیوه‌های مختلف قانونی و سطوح توسعه متفاوت به شناسایی رویه‌های خوب و همچنین ضعف‌های قانونی می‌انجامد. آیتکین، مایلز و اسن در مطالعه خود در سال ۲۰۱۳ از رویکرد تطبیقی برای تحلیل رشد شیوه حاکمیت شرکتی در ترکیه به ویژه بعد از سال ۲۰۰۶ استفاده کرده‌اند. آنها ترکیه را با کانادا مقایسه کرده‌اند تا نقاط ضعف یا قوت نظام ترکیه را شناسایی کنند و دریابند که آیا ترکیه در شیوه اداره امور شرکت سریع‌تر از کانادا پیشرفت می‌کند یا خیر. نویسندگان به این نتیجه رسیدند که ترکیه در بسیاری از ابعاد شیوه اداره مدرن شرکت پیشرفت‌های بسیاری داشته، هرچند پیشرفت‌ها در خصوص وجود یک هیئت مدیره مؤثر و کارآمد سرعت کمتری دارد. آنها این ادعا که کشورهای در حال توسعه در حال پرنمودن شکاف خود با کشورهای با درآمد بالا در حوزه شیوه حاکمیت شرکتی هستند را تأیید می‌کنند.

در یک یافته مهم دیگر، آیتکین، مایلز و اسن نشان می‌دهند که در حالی که در دوره بحران مالی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ هیچ تغییری در روند مثبت توسعه شیوه حاکمیت شرکتی در ترکیه دیده نمی‌شود، رویه‌های حاکمیت شرکتی در کانادا و حسن شهرت آن به‌نحو نامطلوبی در این دوره متأثر شده است. نویسندگان نتیجه‌گیری می‌کنند که محققان و پژوهشگران باید توجه ویژه‌ای به توسعه عملکرد هیئت مدیره شرکت‌ها در کانادا و ترکیه داشته باشند، زیرا این بُعد از شیوه حاکمیت شرکتی در هر دو کشور ضعیف‌تر از سایر ابعاد است. به‌منظور رشد یک شرکت، مجموعه مشخصی از قواعد در سه مورد نیاز است: در مورد کسانی که تصمیمات کلیدی را اتخاذ می‌کنند، در مورد کسانی که باید از این تصمیمات مطلع شوند و در نهایت در رابطه با چگونگی ممانعت از سوءاستفاده از حقوق سهام‌داران. بینبرج در سال ۲۰۱۴ به این موضوع می‌پردازد که در نهایت آیا باید مدیران تصمیمات شرکت را کنترل کنند یا سهام‌داران؟ و منافع کدام گروه مرجح است. نویسنده به بررسی این فرضیه می‌پردازد که تقدم حقوق سهام‌داران یکی از خصایص بارز قانون شرکت‌های نیوزلند است و سپس به مقایسه ابزار و اهداف شیوه حاکمیت شرکتی در این چارچوب قانونی با چارچوب‌هایی که مانند ایالات متحده هیئت مدیره محور هستند، می‌پردازد. او نتیجه‌گیری می‌کند که در حقوق شرکت‌های نیوزلند، هدف از شیوه حاکمیت شرکتی، حداکثرسازی منافع سهام‌داران است و به‌رغم اعطای اختیارات مدیریتی به هیئت مدیره، حق کنترل قابل توجهی نیز به سهام‌داران داده شده است. بینبرج توضیح می‌دهد که نیوزلند نظام سهام‌دارمحور را انتخاب کرده است، زیرا تنها در تعداد معدودی از شرکت‌های نیوزلند، تقدم حقوق مدیران، انتخاب بهینه خواهد بود. شفافیت در ساختار تصمیم‌گیری برای اطمینان از عملکرد شرکت ضروری است. به ویژه آنکه می‌توان از عملکرد شرکت‌ها استنباط‌های مختلفی کرد. هیل و مک دانل در مطالعه سال ۲۰۱۵ خود تشریح کرده‌اند که چگونه مدیران شرکت می‌توانند با هزینه شرکت یا سهام‌داران منافع خود را بر آنها



ترجیح داده و به نمایندگان بدی تبدیل شوند. آنها استدلال می‌کنند که الگوی هزینه نمایندگی با تأکید بر حداکثرسازی سود سهام‌داران به‌عنوان وظیفه مدیران شرکت، برخی آثار خوب، بد و حتی در مواردی زشت را دارد. اثر خوب آن ارائه معیاری است که شناسایی عملکرد مدیریتی بد را تسریع می‌کند. اثر بد به اقدامات با آثار مبهم تسری پیدا می‌کند، مانند ادغام‌هایی که با هدف کاهش هزینه‌های توسعه انجام می‌شود و ممکن است به نتایجی بدتر از منافع شخصی مدیران بیانجامد. آثار زشت وقتی پدیدار می‌شود که مدیران با تمرکز بر حداکثرسازی سود سهام‌داران، پیش از هر چیز به افزایش منافع خود از طریق تعریف پرداخت‌های سؤال‌برانگیز مبتنی بر عملکرد توجه می‌کنند.

گیلسون و گوردون در سال ۲۰۱۳ هزینه‌های مالکیت توسط مؤسسات واسط سرمایه‌گذاری را تحلیل نمودند (هزینه‌های نمایندگی از سرمایه‌گذاران در ایالات متحده آمریکا و سایر کشورها). طبق نظر این نویسندگان، هزینه‌های اینچنینی نه تنها از اختلاف منافع مدیران و مالکان سهام، بلکه از اختلاف منافع میان صاحبان دفتری سهام<sup>۱</sup> (سرمایه‌گذاران نهادی یا مؤسسات واسط سرمایه‌گذاری<sup>۲</sup>) و مالکان واقعی ناشی می‌شوند. این هزینه‌ها می‌تواند با کمک سهام‌داران فعالی که به‌عنوان مجموعه‌ای از متخصصین عمل می‌کنند و می‌توانند مداخله نموده و سرمایه‌گذاران نهادی را به چالش بکشند، کاهش یابد.

نوع شرکت نیز در شیوه اداره یک شرکت مهم است. دی جانگ، تفاوت میان شرکت‌های سهامی خاص و سهامی عام و ارتباط آن با حقوق شرکت‌ها را در هلند و انگلستان بررسی می‌کند. در هر دو کشور، شرکت سهامی خاص نوع جدیدتر و متداول‌تری است. نویسندگان به بررسی انگیزه‌های انتخاب شرکت سهامی عام در مقایسه با شرکت سهامی خاص که از قواعد کمتری برخوردار است، پرداخته و استدلالاتی را که برای قواعد فراگیرتر شرکت‌های سهامی عام وجود دارد، مورد بحث قرار می‌دهد. دی جانگ استدلال می‌کند که هر دو کشور می‌توانند برخی قواعد اجباری را برای شرکت‌های سهامی عامی که در بورس پذیرفته نشده‌اند، تعدیل کنند و بدین ترتیب انعطاف بیشتری برای سهام‌داران فراهم کنند. در مقایسه با حقوق انگلستان، در هلند یک شرکت خصوصی می‌تواند سهام خود را به عموم عرضه کند و تبدیل به یک شرکت سهامی عام بورسی شود، هرچند برخلاف شرکت‌های سهامی عام، در این کشور هیچ نظام حقوقی مناسبی برای شرکت‌های سهامی خاص وجود ندارد. نویسندگان نتیجه‌گیری می‌کنند که در چندین حوزه از حقوق شرکت‌ها از جمله حمایت از سرمایه، مصوبات و جلسات، حقوق منضم به سهام، هیئت مدیره، قوانین حسابداری و حل‌وفصل اختلافات، تفاوت‌هایی میان حقوق شرکت‌های هلند و انگلستان وجود دارد.

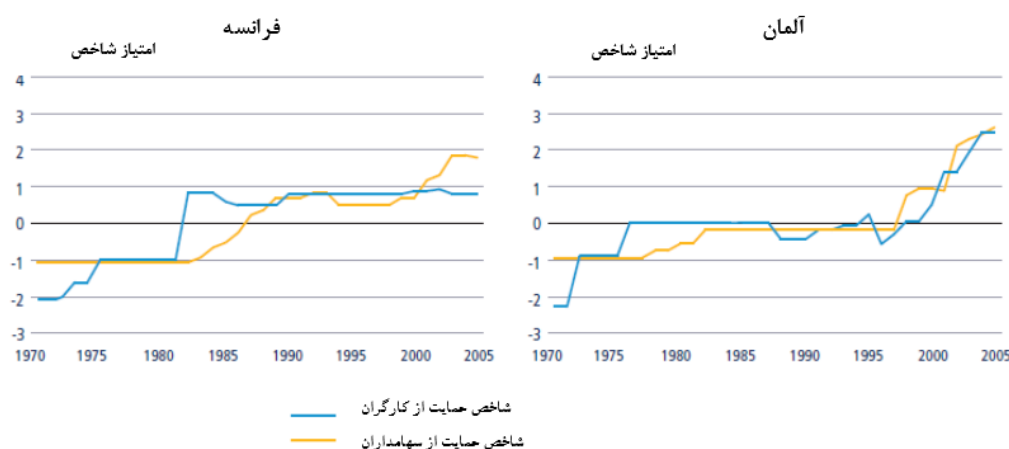
در آخر، گاهان<sup>۳</sup>، رمسای<sup>۴</sup> و ولش<sup>۵</sup> در سال ۲۰۱۴ از تحلیل کمی برای مستندسازی تغییرات

---

1. Owners of Record  
2. Institutional Investors  
3. Gahan  
4. Ramsay  
5. Welsh

درخصوص حمایت از حقوق کارگری و حمایت از سهام‌داران در ۶ کشور طی سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۰۵ استفاده کردند. آنها به این نتیجه رسیدند که در ۵ کشور از ۶ کشور مورد بررسی (فرانسه، آلمان، انگلستان، هند و ایالات متحده) حمایت از سهام‌دار و حقوق کارگری افزایش یافته است. در مقابل در استرالیا به‌عنوان کشور ششم، حمایت از سهام‌دار افزایش یافته است، در حالی که حمایت از حقوق کارگر در سال ۲۰۰۵ مشابه سال ۱۹۷۰ بوده است. آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که حمایت‌های رسمی بیشتر از سهام‌داران به حمایت رسمی بیشتر از حقوق کارگری منجر نشده است (نمودار ۲).

نمودار ۲. میزان حمایت بیشتر از سهام‌داران در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۵ منجر به افزایش بیشتر حمایت از کارگران در کشورهای آلمان و فرانسه نشد



Source: Adapted from Gahan, Ramsay and Welsh, 2014, Figure 1.

## حقوق طلبکاران و قوانین وثیقه

یکی از مؤلفه‌های نماگر اخذ اعتبارات، مؤلفه قدرت حقوق قانونی است که بر مراحل کلیدی چرخه حیات وثیقه در اموال منقول شامل ایجاد [این حقوق]، اطلاع‌رسانی در مورد آن و اجرای آن تمرکز می‌کند. این مراحل، ستون‌های یک نظام مدرن معاملات دارای وثیقه<sup>۱</sup> محسوب می‌شوند. نماگر [اخذ اعتبارات] همچنین به بررسی ابعاد تعاملات میان قوانین وثیقه و نظام ورشکستگی پرداخته، رهنمودهایی را درخصوص رویه‌های مفید مطابق با استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی ارائه می‌کند. مقالات اخیر به مسائلی می‌پردازند که ارتباط نزدیکی با این موضوع دارند. کوزلوچیک<sup>۲</sup> و فرنیش<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۶ بر اهمیت نظام مدرن معاملات با وثیقه تأکید کرده‌اند، در حالی که دوبوچ<sup>۴</sup> و کمبیلی<sup>۵</sup> و اوسی توتو<sup>۶</sup> در

1. Modern Secured Transactions System
2. Kozolchyk
3. Furnish
4. Dobovec
5. Kambili
6. Osei-Tutu



سال ۲۰۱۳ تجربیات کشورهای مختلف را در اجرای این نظام منعکس کرده‌اند. والترز<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۴ راه‌هایی را که اعتباردهندگان قادرند خود را با تغییرات در قوانین ورشکستگی که بر منافع آنها مؤثر است هماهنگ نمایند، بررسی کرده است.

زمانی که سیاستگذاران و محققان به اصلاح [قواعد] معاملات دارای وثیقه می‌اندیشند، دو موضوع را در نظر می‌گیرند: چه نوع چارچوب قانونی می‌تواند به حداکثرسازی ارزش وثیقه شرکت‌های کوچک و متوسط کمک کند، در عین حال که به اعتباردهندگان دارای وثیقه اطمینان دهد که حقوق آنها حفاظت خواهد شد؟ و چگونه نظام معاملات دارای وثیقه فعلی با متأثر نمودن هزینه اعتبار تجاری، قدرت رقابت نسبی بخش خصوصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ کوزلوچیکو فرنیش در سال ۲۰۰۶ با تحلیل اصول مدرن قوانین معاملات دارای وثیقه، به بررسی این موضوعات پرداختند. آنها مدعی‌اند که دلیل اصلی ضرورت وجود چنین قوانینی، آن است که این قوانین استفاده از اموال منقول را به‌عنوان وثیقه ممکن کرده و در نتیجه دسترسی به اعتبارات با هزینه مناسب را افزایش و موجب افزایش توسعه اقتصادی می‌شوند.

نویسندگان به بررسی توسعه تاریخی مبحث بستانکاران با وثیقه در آمریکای لاتین و توسعه آن توسط کشورهای آمریکایی با تدوین قانون نمونه معاملات دارای وثیقه میان کشورهای آمریکایی<sup>۲</sup> پرداختند. این قانون می‌تواند به مورد توجه قرار گرفتن نواقص قوانین جاری در کشورهای مختلف منطقه کمک کند. در آخر، نویسندگان، اصلاحات در قوانین معاملات دارای وثیقه در مکزیک در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳ را با قانون نمونه و الگوهای موجود در کشورهای آمریکا و کانادا مقایسه و توصیه‌هایی را در مورد اینکه چگونه یک کشور می‌تواند فرآیند اصلاحات را ادامه دهد، ارائه می‌کنند.

دوبوچ و کمبیلی در سال ۲۰۱۳ به بررسی اصلاحات حقوقی در جریان و اصلاحات مربوط به ثبت وثیقه و توانایی این اصلاحات در ایجاد یک نظام کارآمد معاملات دارای وثیقه در کشور مالاوی پرداختند. در مالاوی، مانند جنوب صحرای آفریقا، دسترسی به اعتبارات برای شرکت‌های کوچک و متوسط چالش بزرگی بوده است. چارچوب حقوقی موجود برای معاملات دارای وثیقه متشکل از قوانین قدیمی بود که اجرای آنها در شرایط متفاوت، متغیر است و منتهی به هزینه‌های بالای نظارت برای اعتباردهندگان، تشریفات غیرضروری و نواقص ثبتی شده که در نهایت منجر به ابطال معامله می‌شود. این مسائل به ناتوانی در بهبود فرآیند دسترسی به اعتبارات با هزینه مناسب برای بخش خصوصی و ضرورت تصمیم‌گیری برای اصلاح چارچوب حقوق منجر شد. اصلاح پیشنهادی، رویکردی کاربردی به معاملات دارای وثیقه است که با تجمیع کلیه ابزارهای تضمینی در یک قانون واحد به ساده‌سازی چارچوب حقوقی پرداخته است. در مالاوی، این قانون با عنوان قانون «وثیقه‌گذاری اموال شخصی»<sup>۳</sup> نامیده می‌شود که در سال ۲۰۱۳ توسط رئیس‌جمهور امضا شده است. نویسندگان از اتخاذ یک رویکرد روشمند با استفاده از

1. Walters

2. Model Inter-American Law on Secured Transactions.

3. The Personal Property Security Act

یک قانون نمونه - مانند قانون وثیقه‌گذاری اموال شخصی نیوزلند که در ملاوی به‌عنوان نمونه استفاده شده است - و همچنین توصیه‌های مندرج در دستورالعمل تقنینی کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> در خصوص معاملات دارای تضمین (آنسیترال ۲۰۱۰) حمایت کرده‌اند. نویسندگان همچنین ضرورت در نظر داشتن زمینه‌های حقوقی و اقتصادی اجتماعی (موجود در هر کشور) را یادآور شده‌اند. چندین ابتکار اصلاحی دیگر نیز رویکرد مشابهی داشته‌اند. در غنا، نوآوری مشابهی صورت گرفته است. دبووچ و اوسی توتو در سال ۲۰۱۳ عنوان کردند که چارچوب حقوقی پیش از اصلاحات در این کشور، مبتنی بر حقوق انگلستان، قدیمی بود و قانون جدید معاملات دارای وثیقه غنا - تحت عنوان قانون وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان سال ۲۰۰۸ - و ثبت وثایق، دارای این ظرفیت هستند که به‌عنوان قانون نمونه برای دیگر کشورهای آفریقایی مورد استفاده قرار گیرند. البته اینها، مثال‌های خاصی از یک قانون معاملات دارای وثیقه و ثبت وثیقه نیستند، زیرا این قوانین هنوز قابلیت اصلاح دارند. نویسندگان استدلال می‌کنند که اصلاحات مربوط به استانداردهای بین‌المللی مندرج در دستورالعمل تقنینی کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل در خصوص معاملات دارای تضمین (آنسیترال ۲۰۱۰) و دستورالعمل ثبت وثایق و نظام‌های معاملات دارای وثیقه بانک جهانی و خدمات مشاوره فضای سرمایه‌گذاری (۲۰۱۰) را برآورده نکرده‌اند. گروه تهیه پیش‌نویس شامل نویسندگان فوق، اصلاحاتی را در رابطه با قانون و گام‌هایی را جهت مدرنیزه کردن ثبت وثیقه پیشنهاد کرده‌اند. این پیشنهادها به طراحی مجدد قوانین ثبت وثیقه در آفریقا به‌عنوان اولین قوانین مدرن [در این حوزه] منجر شد.

والترز در سال ۲۰۱۴، تجربه خود را در حوزه قضایی انگلستان و ولز در خصوص دو پرونده دارای بستانکاران دارای وثیقه ارائه کرد که با موفقیت مانع از تزییع حقوق خود شده بودند. وام‌دهندگان با نوآوری‌های معاملاتی، به توزیع مجدد حق تقدم میان وام‌دهندگان دارای وثیقه و فاقد وثیقه پاسخ دادند. آنها خود را با حذف مدیر تصفیه اداری که با هدف از میان بردن حق کنترل آنها [بر وثیقه] انجام شد، سازگار کردند. به این صورت که از راه‌های جدیدی جهت اعمال باقیمانده حق کنترل خود [بر اموال مورد وثیقه] استفاده کردند.

### قوانین ورشکستگی و فرآیندهای بازسازماندهی<sup>۲</sup>

نماگرهای پروژه انجام کسب‌وکار در حل و فصل ورشکستگی، نرخ بازستانی<sup>۳</sup> [درصد بازگشت مطالبات] برای وام‌دهندگان دارای وثیقه و حدودی را که قوانین داخلی، اصول قانونی پذیرفته شده بین‌المللی در خصوص تصفیه و فرآیندهای بازسازماندهی را پوشش می‌دهند، بررسی می‌کنند. نماگرها چندین موضوع را مورد توجه قرار می‌دهند که در این آثار مورد بحث قرار گرفته‌اند. یکی از این موضوعات اصول

1. UNCITRAL  
2. Reorganization  
3. Recovery Rate for Secured Creditors





کلیدی ورشکستگی است که توسط آزر<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۸ مطرح شد. موضوع دیگر وجود فرآیندهای بازسازماندهی است که بنگاه دارای امکان ادامه فعالیت<sup>۲</sup> را به‌رغم ورشکستگی قادر به ادامه فعالیت می‌سازد. بخش عمده‌ای از مقالات منتشره بر ابعاد فرآیندهای بازسازماندهی تمرکز نموده‌اند از جمله این آثار می‌توان به ایزنبرگ<sup>۳</sup> و ساندرگرن<sup>۴</sup> (۱۹۹۷)، لوپوکی<sup>۵</sup> و تریانتیس<sup>۶</sup> (۱۹۹۴)، سیگال<sup>۷</sup> (۲۰۰۷) و کوردانا<sup>۸</sup> و پوسنر<sup>۹</sup> (۱۹۹۹) اشاره کرد. یک موضوع مرتبط مشکل تصمیم‌گیری و انتخاب صحیح برای شروع فرآیند تصفیه یا بازسازماندهی است که توسط آدامز<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۳) بحث شده است.

هدف اصلی از قوانین ورشکستگی، اطمینان از بقای واحد دارای امکان فعالیت از یک سو و اطمینان از منصفانه‌ترین میزان بازگشت [سرمایه] برای ذینفعان، در خصوص واحدهایی که در نهایت باید تصفیه شوند، از سوی دیگر است. این موضوع که کدام یک از رویه‌های ورشکستگی از این اهداف حمایت می‌کنند، به‌طور مفصل بحث شده است. آزر در سال ۲۰۰۸ با تحلیل تطبیقی هفت موضوع کلیدی ورشکستگی در ۵۰ کشور جهان به بررسی این موضوع پرداخته است. نویسنده استدلال می‌کند که جایگزینی مدیر یک شرکت در حال بازسازماندهی، موجب حمایت بیشتر از حقوق بستانکاران می‌شود، ولی بدون هزینه نیست و سازوکارها برای فروش اموال بدهکار [شرکت ورشکسته] در فرآیند تصفیه باید سریع، کارآمد، منعطف و شفاف باشد. آزر ضمن ارزیابی اهمیت حمایت از فرآیندهای خاص، استدلال می‌کند که بدون این فرآیندها نرخ بازستانی برای بستانکاران پایین‌تر است. در خصوص سرنوشت قراردادهای اجرایی نویسنده بر این باور است که اگر ارزش شرکت بدهکار [ورشکسته] با گسترش مستمر فعالیت وی به حداکثر می‌رسد، فرآیند ورشکستگی [شرکت] باید ابتدا روابط قراردادی اساسی را که قبل از شروع ورشکستگی وجود داشت، حفظ کند و به واحد ورشکسته اجازه دهد تا افراد غیر ذینفع را کنار بگذارد. آزر همچنین به بررسی مفهوم اولویت در ورشکستگی می‌پردازد. او استدلال می‌کند که اولویت‌های میان بستانکاران باید به‌صورت عینی تعریف شوند تا زمانی که این معاملات، اصل تناسب<sup>۱۱</sup> را نقض می‌کنند، شامل معاملات معمولی ورشکسته شود. علاوه بر این، قوانین ورشکستگی باید سازوکارهایی را برای تأمین مالی پس از آغاز فرآیند ورشکستگی پیش‌بینی کنند و باید از بستانکارانی که مطالبات آنها مربوط به پیش از آغاز فرآیند ورشکستگی است، حمایت کنند، بدون آنکه مانع دسترسی بدهکار [ورشکسته] به منابع مالی جدید شود.

---

1. Azar

2. Insolvent but Viable Business

3. Eisenberg

4. Sundgren

5. LoPucki

6. Triantis

7. Segal

8. Kordana

9. Posner

10. Adams

11. Pari Passu

در آخر، آزر در خصوص نقش دادگاه و مشارکت بستانکاران استدلال می‌کند که نقش دادگاه‌ها باید محدود به تضمین شفافیت فرآیند رسیدگی جمعی و مهیا کردن محکمه‌ای برای طرفین به منظور مذاکره و رأی‌گیری در خصوص یک برنامه موفق بازساماندهی باشد. بستانکاران باید از طریق کمیته بستانکاران در تصمیمات مهم مشارکت داشته باشند؛ اصلی که توسط پروژه انجام کسب‌وکار ترویج شده است. فرآیندهای بازساماندهی، وجه غالب تحقیقات دانشگاهی در خصوص قانون ورشکستگی است. بخش یازده قانون ورشکستگی آمریکا از جمله الگوهای بازساماندهی است که در ادبیات حقوق تطبیقی بیشترین بحث در مورد آنها انجام شده است. برای مثال، ایزنبرگ و ساندرگرن در سال ۱۹۹۷ اطلاعات بازساماندهی در ایالات متحده و فنلاند را مقایسه کردند تا ارزیابی کنند که آیا تفاوت‌ها میان قوانین دو کشور در عملکرد نظام‌های بازساماندهی آنها تأثیر دارد. قوانین دو کشور در بسیاری از ابعاد مهم شبیه یکدیگر هستند. در هر دو نظام، بدهکاران می‌توانند قراردادهای در دست انجام خود را حفظ کرده و اعتبارات پس از ورشکستگی را بر اساس اولویت اخذ کنند. برنامه‌های بازساماندهی می‌توانند بر حقوق بستانکاران دارای وثیقه تأثیر گذارند و پرداخت‌ها بر اساس یک برنامه بازساماندهی، باید حداقل برابر با میزانی باشد که در صورت انحلال [واحد ورشکسته] دریافت می‌نمایند.

البته این نظام‌ها تفاوت‌های مهمی نیز دارند، یک تفاوت کلیدی این است که در نظام فنلاند، به‌طور معمول مدیرانی را [برای واحد ورشکسته] منصوب می‌نمایند، در حالی که نظام آمریکایی از مدل باقی ماندن اموال در تملک یا تحت کنترل بدهکار<sup>۱</sup> استفاده می‌کند. تفاوت دیگر این است که در نظام فنلاند، غربالگری‌های ماهوی اولیه بیشتری در هر مورد انجام می‌شود، در حالی که طبق فصل یازده (قوانین ورشکستگی آمریکا) یک فرض عملی وجود دارد که تقریباً باید به همه شرکت‌ها فرصت بازساماندهی داده شود. نویسندگان نتیجه‌گیری کرده‌اند که نظام غربالگری سختگیرانه فنلاند در ابتدای کار منجر به تسریع فرآیند رسیدگی به موارد مطروحه می‌شود، در حالی که در مورد شرکت‌های آمریکایی زمان سه برابر بیشتر از شرکت‌های فنلاندی طول می‌کشد. علاوه بر این، نویسندگان دریافتند که فصل یازده فوق‌الذکر در عین حال که به‌عنوان فصلی طرفدار بدهکاران شناخته شده است به آن دسته از برنامه‌های بازساماندهی منجر نمی‌شود که صرفاً ارزش نقدی دارایی‌ها را برای بستانکاران به جا گذاشته و مازاد ناشی از بازساماندهی را در اختیار بدهکاران [شرکت ورشکسته] قرار دهد. نویسندگان همچنین به این نتیجه رسیدند که در نظام آمریکایی بستانکاران بدون وثیقه، بیشتر از نظام فنلاند دریافت می‌کنند.

لوپوکی و تریانتیس در سال ۱۹۹۴ از رویکرد «سیستم‌ها» برای مقایسه نظام‌های بازساماندهی قضایی در کشورهای ایالات متحده و کانادا استفاده کردند. هر چند قانونگذاران در ایالات متحده و کانادا در صدد بوده‌اند که دو نظام کاملاً متفاوت را پایه‌ریزی کنند، در عمل این دو کاملاً شبیه به یکدیگر از آب درآمده‌اند. نویسندگان معتقدند که این تشابه عملی با توجه به اهداف بسیار مشابه دو کشور از

1. Debtor-in-possession model



بازسازماندهی و تاریخچه مشترک اقتصادی (اقتصاد بازار)، اجتناب‌ناپذیر بوده است، زیرا گروه محدودی از طرح‌های جایگزین وجود داشت که می‌توانست به یک سیستم عملیاتی منجر شود. آنها بر این باورند که الزامات عملکردی مانند اینها می‌تواند عامل تعیین‌کننده در هر سیستمی باشد که درصد است بازسازماندهی تحت نظارت دادگاه را از طریق یک برنامه هماهنگ تحت تأثیر قرار دهد.

بسیاری از منتقدان فصل یازده بر این موضوع تمرکز کرده‌اند [که طبق این فصل] سیستم بر تلاش شرکت‌ها برای بازسازماندهی تمرکز نموده، در حالی که انحلال آنها راه‌حل کارآمدتری است و همچنین تأثیراتی که این مقوله بر هزینه‌های ورشکستگی دارد. برای کاهش این هزینه‌ها آدامز در سال ۱۹۹۳ پیشنهاد تجدیدنظر دو بخشی را در سیستم فصل یازده ارائه کرده است: اول: ایجاد ساختاری دوگانه تحت کنترل بدهکار [ورشکسته] که در آن یک امین، تصمیمات کلیدی ورشکستگی را اتخاذ کرده و مدیر نهاد ورشکسته تصمیمات تجاری را اتخاذ می‌کند. دوم: روشی برای امین مشخص شود که تعیین کند آیا بازسازماندهی شرکت اقدام مناسب است یا انحلال و تصفیه آن. طبق این روش، امین، ابتدا ارزش فعلی درآمدهای آتی نهاد بازسازماندهی شده و ارزش انحلال آن را تعیین می‌کند. سپس امین با اتکا به تجربه خود، ارزش فعلی درآمدهای آتی را به سمت بالا تعدیل می‌کند تا نمایانگر ارزش‌های ذاتی بازسازماندهی باشد. پس از این تعدیل، امین دو ارزش را بررسی کرده و تصمیم می‌گیرد که آیا شرکت مربوطه را بازسازماندهی کرده یا منحل سازد.

سیگال در سال ۲۰۰۷ دیدگاه تطبیقی را در مورد حقوق بستانکاران با وثیقه در فرآیند بازسازماندهی ارائه می‌کند. در این مقایسه، نویسنده به عملیات و اثر دو نظام انگلیسی (مدیریت) و آمریکایی (فصل ۱۱) اشاره می‌کند بدون اینکه به مفهوم موسع‌تر یعنی نحوه برخورد با بستانکاران دارای وثیقه در این نظام‌ها بپردازد. او ۶ حوزه کلیدی مقایسه را تعریف می‌کند: حقوق اجرایی بستانکاران دارای وثیقه، تعلیق خودکار،<sup>۱</sup> شرط مربوط به وجود حق وثیقه بر اموالی که در طی فرآیند ورشکستگی تحصیل می‌شوند،<sup>۲</sup> اختیار ورشکسته برای استفاده و فروش وثایق بدون حق وثیقه بر آنها، هزینه‌هایی که بعد از شروع فرآیندهای ورشکستگی ایجاد می‌شود و سازماندهی مجدد حقوق وثیقه [بر اموال مختلف] در فرآیند ورشکستگی [توسط دادگاه].<sup>۳</sup>

این مقایسه نشان می‌دهد که رویکردهای انگلیسی و آمریکایی کماکان متفاوت است، هر چند تحولات حقوقی دو کشور را به هم نزدیک‌تر ساخته است. بستانکاران با وثیقه در انگلستان در فرآیند بازسازماندهی، حقوق قوی‌تری در مقایسه با آمریکا دارند. کردانا و پوسنر در سال ۱۹۹۹ به بررسی این

### 1. Automatic Stay

در حقوق ورشکستگی آمریکا عبارت است از دستور خودکاری که اقدامات بستانکاران را برای وصول طلب از بنگاه ورشکسته متوقف می‌کند، البته به استثنای موارد خاص. این دستور خودکار طبق بخش ۳۶۲ از قانون ورشکستگی آمریکا از زمانی که ورشکسته درخواست ورشکستگی خود را ثبت می‌کند، آغاز می‌شود.

### 2. After Acquired Property Clause in Bankruptcy Proceeding<sup>4</sup>;

چنانچه شرکت ورشکسته قبل از ورشکستگی برای بستانکار/ بستانکاران حق وثیقه ای را در خصوص یک مال یا بخشی از اموال مشخص خود فائل شود، به گونه ای که شامل اموالی که بعداً نیز از محل این اموال تحصیل می‌گردد، بشود، اموال تحصیل شده بعدی به‌طور خودکار در شمول وثایق بستانکار قرار می‌گیرد و بستانکار دارای وثیقه نسبت به این اموال تحصیل شده نیز اولویت بر سایر بستانکاران خواهد داشت. این حق را اصطلاحاً حق حبس شناور (Floating Lien) نیز می‌نامند.

### 3. Cram-down of Security Interests in Bankruptcy Proceeding;

عبارت است از تصمیم دادگاه برای سازماندهی مجدد وثایق یا مطالبات بدهکاران به‌رغم اعتراض و عدم رضایت گروهی از یا تمامی بستانکاران.

موضوع پرداختند که آیا نظام رأی‌گیری در نظام بازسازماندهی آمریکا کارآمد است یا اینکه این نظام باید با نظامی که از رأی‌گیری اجتناب می‌کند و بیشتر بر ارزیابی منبعث از بازار (بازار - محور) از یک شرکت ورشکسته مانند یک نظام حراج تکیه می‌کند، جایگزین شود. نویسندگان نظام‌های معاملاتی موجود را توسعه می‌دهند تا معامله با چند بستانکار را بررسی نمایند؛ در عین حال که بر مشکلات ناشی از اطلاعات ناقص و تحلیل قواعد رأی‌گیری فصل یازده توجه ویژه‌ای دارند.

آنها به این نتیجه رسیدند که نظام معاملاتی تحت فصل ۱۱ در چارچوب محدودیت‌هایی که توسط یک قاضی ناظر ایجاد می‌شود، بسیار منعطف‌تر است. چانه‌زنی، طرفین را قادر می‌سازد تا در مواردی که منافع قابل توجه طرفین پس از آغاز فرآیندهای ورشکستگی ایجاد شده است و این منافع نمی‌تواند موضوع یک قرارداد باشد، در مورد یک روش بازسازماندهی به توافق برسند. روش حراج، تأیید این برنامه‌ها را مجاز نمی‌داند، مگر اینکه طرفین ذینفع پس از آغاز فرآیند ورشکستگی بتوانند به اندازه کافی برای خرید شرکت استفراض نمایند یا مطالبات سایرین را خریداری کنند.

### نتیجه‌گیری

بررسی آثار و مقالات منتشر شده، توجه و علاقه به حوزه‌هایی از مقررات کسب‌وکار را که پروژه انجام کسب‌وکار پوشش می‌دهد، تأیید می‌کند. شاخص‌های اجرای قراردادهای، حمایت از سهام‌داران خرد، اخذ اعتبارات (حقوق قانونی) و حل و فصل ورشکستگی، چهار محور موضوعی تعریف شده در این آثار را مورد توجه قرار می‌دهند: کارآمدی دادگاه‌ها و نقش شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، قواعد حاکمیت شرکتی، قوانین وثیقه و قواعد ورشکستگی و فرآیندهای بازسازماندهی.

پروژه انجام کسب‌وکار از مباحث دانشگاهی، بسیار منتفع شده و روش‌شناسی خود را گسترش داده تا به موازات تحقیقات دانشگاهی توسعه یابد. پروژه انجام کسب‌وکار همچنین روش‌شناسی خود را گسترش داده است تا مجموعه جدیدی از اطلاعات و شاخص‌ها را تولید کند که به ارزیابی ابعاد جدید مقررات می‌پردازد. گزارش سال گذشته مجموعه جدیدی از اطلاعات را در رابطه با حقوق سهام‌داران در حاکمیت شرکتی، اتخاذ رویکردی عملی نسبت به معاملات با وثیقه، ابعاد اضافی ثبت وثایق و اجرای فرا قضایی و کیفیت قوانین ورشکستگی معرفی کرد. گزارش امسال شامل مجموعه جدیدی از داده‌ها در رابطه با کیفیت فرآیندهای قضایی می‌شود. با معرفی این تغییرات، پروژه انجام کسب‌وکار شواهد تجربی را ارائه می‌کند تا از آزمودن نظریه‌های حقوقی موجود حمایت کند و بنیادهای تجربی جدیدی را ایجاد می‌کند تا الهام‌بخش کارهای دانشگاهی بیشتری باشد.



1. Adams, Edward S. 1993. "Governance in Chapter 11 Reorganizations: Reducing Costs, Improving Results." *Boston University Law Review* 73 (4).
2. Aytekin, Ihsan, Michael Miles and SabanEsen. 2013. "Corporate Governance: A Comparative Study of Practices in Turkey and Canada." *IUP Journal of Corporate Governance* 12 (2).
3. Azar, Ziad Raymond. 2008. "Bankruptcy Policy: A Review and Critique of Bankruptcy Statutes and Practices in Fifty Countries Worldwide." *Cardozo Journal of International and Comparative Law* 16 (2).
4. Bainbridge, Stephen M. 2014. "Director versus Shareholder Primacy: New Zealand and USA Compared." *New Zealand Law Review*, no. 4.
5. Cabral, James E., Abhijeet Chavan, Thomas M. Clarke, John Greacen, Bonnie Rose Hough, Linda Rexer, Jane Ribadeneyra and Richard Zorza. 2012. "Using Technology to Enhance Access to Justice." *Harvard Journal of Law & Technology* 26 (1).
6. Dakolias, Maria. 1999. *Court Performance around the World: A Comparative Perspective*. World Bank Technical Paper 430. Washington, DC: World Bank.
7. Drahozal, Christopher R., and Erin O'Hara O'Connor. 2014. "Unbundling Procedure: Carve-Outs from Arbitration Clauses." *Florida Law Review* 66: 1945–2006.
8. Dubovec, Marek, and Cyprian Kambili. 2013. "Using the UNCITRAL Legislative Guide as a Tool for a Secured Transactions Reform in Sub-Saharan Africa: The Case of Malawi." *Arizona Journal of International and Comparative Law* 30 (2).
9. Dubovec, Marek, and Benjamin Osei-Tutu. 2013. "Reforming Secured Transactions Laws in Africa: The First African Collateral Registry in Ghana." *Uniform Commercial Code Law Journal* 45 (1).
10. Eisenberg, Theodore, and Stefan Sundgren. 1997. "Is Chapter 11 Too Favorable to Debtors? Evidence from Abroad." *Cornell Law Review* 82 (6).
11. Gahan, Peter G., Ian Ramsay and Michelle Anne Welsh. 2014. "Worker and Shareholder Protection in Six Countries: A Longitudinal Analysis." Available at Social Science Research Network (SSRN). doi:10.2139/ssrn.2536708.
12. Gilson, Ronald J., and Jeffrey N. Gordon. 2013. "The Agency Costs of Agency Capitalism: Activist Investors and the Revaluation of Governance Rights." *Columbia Law Review* 113 (4).
13. Katelouzou, Dionysia, and Mathias M. Siems. 2015. "Disappearing Paradigms in Shareholder Protection: Leximetric Evidence for 30 Countries, 1990–2013." Working Paper 467, Centre for Business Research, University of Cambridge, Cambridge, U.K.
14. Kordana, Kevin A., and Eric A. Posner. 1999. "A Positive Theory of Chapter 11." *New York University Law Review* 74.
15. LoPucki, Lynn, and George G. Triantis. 1994. "A Systems Approach to Comparing U.S. and Canadian Reorganization of Financially Distressed Companies." *Harvard International Law Review* 35.
16. Ramsay, Iain. 1996. "Small Claims Courts: A Review." In *Rethinking Civil Justice: Research Studies for the Civil Justice Review*, vol. 2. Toronto: Ontario Law Reform Commission.
17. Ramsay, Iain. 1998. "Review: Lowered Horizons and Broadened Vistas: The Small-

- Claims Court and Access to Justice.” *Justice of Law and Society* 25.
18. Ryan, Erin. 2000. “ADR, the Judiciary, and Justice: Coming to Terms with the Alternatives.” *Harvard Law Review* 113 (7).
19. Segal, Nick. 2007. “The Effect of Reorganization Proceedings on Security Interests: The Position under English and U.S. Law.” *Brooklyn Journal of International Law* 32 (3).
20. Walters, Adrian. 2014. “Statutory Erosion of Secured Creditors’ Rights: Some Insights from the United Kingdom.” *University of Illinois Law Review* 23.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۳۷۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: آموزه‌هایی برای بهبود محیط حقوقی کسب و کار

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه مطالعات محیط کسب و کار)

مترجمان: فرید قادری، فاطمه عزیزی

ناظر علمی: احمد مرکزالمیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: مریم احمدیان

ویراستار ادبی: \_\_\_\_\_

واژه‌های کلیدی:

۱. محیط کسب و کار

۲. بانک جهانی

۳. انجام کسب و کار

۴. ورشکستگی

۵. دادگاه

۶. حقوق و اقتصاد



تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۲/۲۵